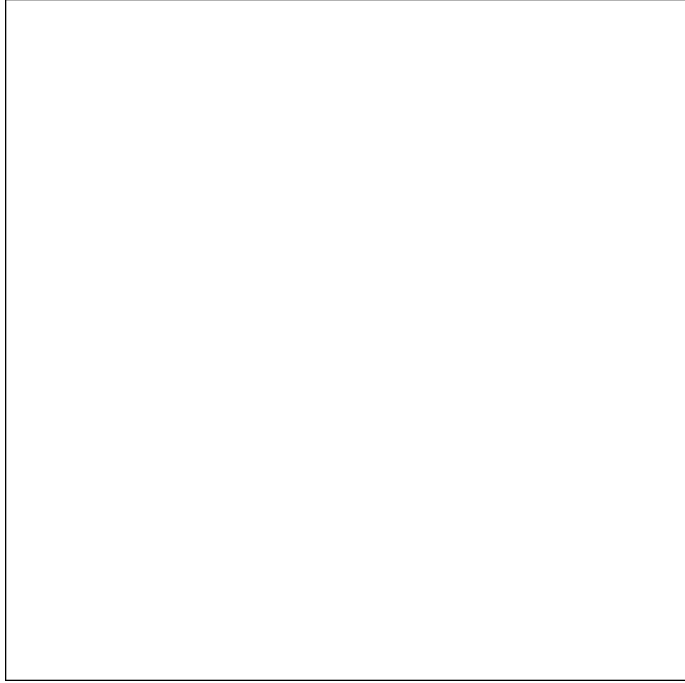


صحبت کردن در باره خانواده

Talking about family



✎ Espen Stranger-Johannessen
✉ Billie Cejka Rises
📧 Sam Saf
📄 3
🌐 / English en



LIDA Stories

lidastories.net

خانواده در باره صحبت / Talking

about family

✎ Espen Stranger-Johannessen
✉ Billie Cejka Rises
📧 Sam Saf (fa)



This work is licensed under a Creative Commons
[Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0).
<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



«تو خانواده ای داری؟»

...

“Do you have any family?”

“Yes, my husband and I have two daughters and a son.”

...

«بله، من و شوهرم دو دختر و یک پسر داریم.»

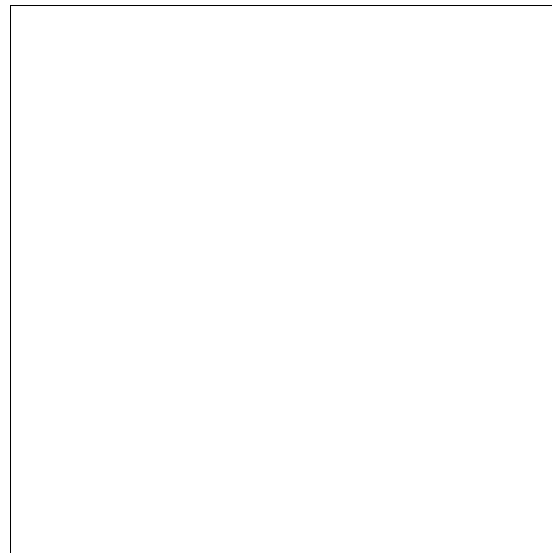


“That’s a good idea. I also hope my children will go to university someday.”

...

«انشاءً برب.»

«بله، این ایده خوبی است. من هم امیدوارم بچه‌ها روزی به دانشگاه بروند.»

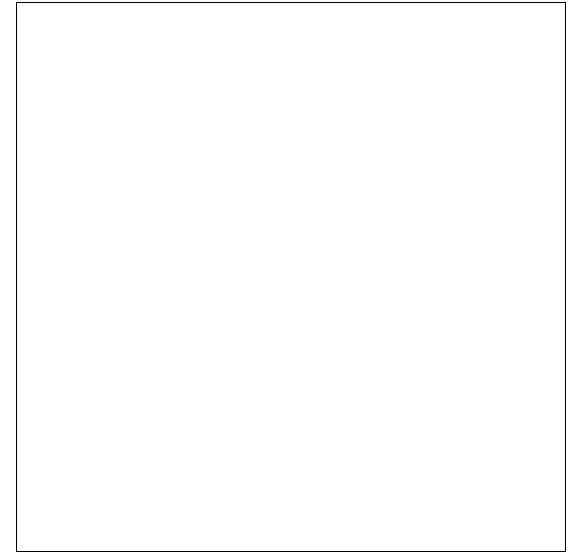




«من هم دوډا دختر دارم اه طلاق گرفته ام.»

...

“I also have two daughters, but I’m divorced.”



«اون ميخواه گر پيدا كنه، اه من بهش ميگم ډيد به چي اون
بره دانشگاه.»

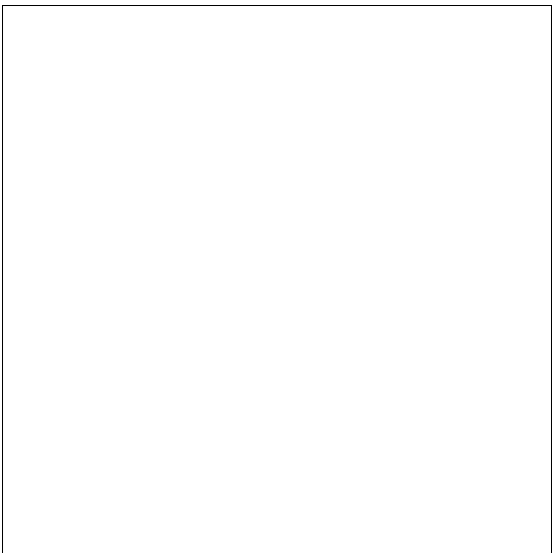
...

“He wants to get a job, but I tell him he should go to university instead.”

“How old are your daughters?”

...

«زینو کله دایه یار او کله دایه یار؟»

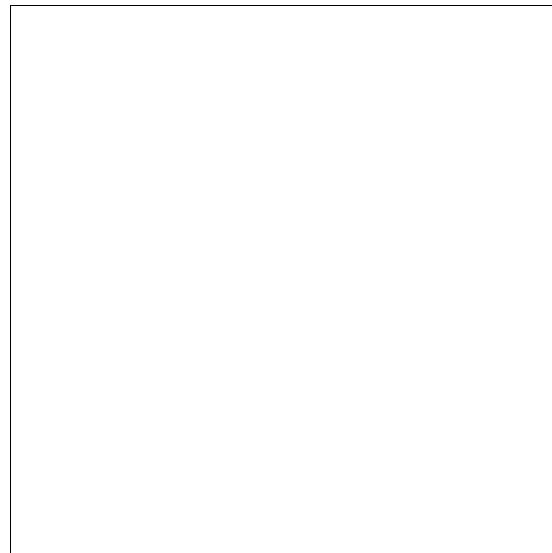


“That is great! They grow up so fast. What does he want to do afterwards?”

...

«خوبه که بزرگ می‌شوند. بعد از آن چه می‌خواهد؟»

«او کله دایه یار او کله دایه یار؟ همیشه بزرگ می‌شوند. بعد از آن چه می‌خواهد؟»





«مید چهار بده است. اون پیش دبستانی می ره. میریم ده
بده است، او مدرسه می ره.»

...

“Mina is four years old. She goes to
preschool. Miriam is ten, so she goes to
school.”



«همه بچه هی من مدرسه ای هستند. پسر من بده آینده فرغ
التحصیل میشه.»

...

“All of my children are in school. My son
will graduate next year.”